

*Bi-Quarterly specialized-
scholarly journal Of Quranic
Studies Light of Revelation Vol.5,
No. 10,
Autumn & Winter 2020
P 79 - 100*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی
س ۵ ش ۱۰ پاییز و زمستان ۱۳۹۹
صفحات ۷۹ - ۱۰۰

رویکرد غدیر شناسی مفسران معاصر اهل سنت در پرتو آیه تبلیغ

عامل حسن مظاهری* علی آقا صفری* فرقت تقی اف*

چکیده

غدیر خم، بستر دید یکی از مهم ترین و مسلم ترین حوادث تاریخ صدر اسلام و روز اکمال دین و اتمام نعمت و دربردارنده مساله امامت و وصایت است که یکی از مسایل بنیادی بعد از توحید و نبوت محسوب می شود. بدین جهت طی اعصار و امصار، اندیشمندان به بررسی و واکاوی زوایا و ابعاد متعدد این واقعه عظیم پرداخته اند. آیات متعددی از قرآن را می توان در زمینه واقعه غدیر و اعلان امامت و خلافت امام علی ع مورد اشاره و تبیین قرار داد از جمله آیه ۶۷ سوره مائده که از آن به آیه تبلیغ یا ابلاغ یاد می شود. در این آیه شریفه خداوند متعال تمامی رسالت خود از ابتدای خلقت تاکنون را منوط به اعلام این امر مهم می داند و از فرستاده خود می خواهد به هر طریق

*. دانش پژوه دکتری قرآن و علوم گرایش علوم تربیتی، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع عالی

قرآن و حدیث muzaheri2007@gmail.com

*. دکتری قرآن و علوم گرایش مدیریت، جامعه المصطفی العالمیه،

a.a.safari1364@gmail.com

*. دانش آموخته کارشناسی ارشد، تفسیر و علوم قرآن، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش

عالی قرآن حدیث.

ممکنی این مسئله را بیان کند و از کسی دل نگرانی نداشته باشد. در نتیجه، توجه به عظمت واقعه غدیر و تبیین قرآنی آن برای آحاد مسلمانان ضرورتی اجتناب ناپذیر است به ویژه در عصر حاضر که دشمنان امامت و ولایت کمر به اضمحلال این حادثه بزرگ و سرنوشت ساز بسته‌اند. از اینرو نگارندگان، با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و بیان دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های مفسران برجسته معاصر اهل سنت، در صدد تبیین و تحلیل رویکردهای ایشان در تفسیر آیه تبلیغ و رابطه آن با مسئله خلافت و جانشینی امام علی (ع)، می‌باشند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مفسران معاصر اهل سنت رویکردهای متفاوت و گوناگونی را نسبت به تفسیر آیه تبلیغ و ارتباط آن با غدیر خم، اتخاذ کرده‌اند: برخی نسبت به ارتباط این آیه شریفه با واقعه غدیر و دیدگاه شیعه سکوت کرده و عده‌ای نیز با رد احادیث منقوله یا با تمسک به سیاق آیات و نیز عام دانستن مورد ابلاغ، ارتباط آیه تبلیغ با واقعه غدیر را انکار نموده‌اند.

واژگان کلیدی: ابلاغ، غدیر، ولایت، تبلیغ، مفسران معاصر، اهل سنت.

مقدمه:

آیه‌ی تبلیغ و ابلاغ، پیرامون مهم‌ترین مسئله جهان اسلام، پس از مسئله‌ی نبوت و پیامبری بحث می‌کند و به پیامبر اسلام (ص) در اواخر عمر شریفش، با اصرار فراوان، دستور می‌دهد که مسئله‌ی خلافت و جانشینی پس از خودش را با صراحت تمام با مردم در میان بگذارد و تکلیف مردم را از این جهت روشن کند.

آیه شریفه تبلیغ ارتباط تنگاتنگی با آیه شماره ۳ سوره مائده داشته و لحن خاص آن، سبب تمایز آیه تبلیغ از آیات قبل و بعد خود شده است. در این آیه روی سخن

فقط با پیامبر ﷺ است، تنها وظیفه او را بیان می‌کند؛ با خطاب «یا ایها الرّسول» شروع شده و با صراحت و تأکید دستور می‌دهد که آنچه را که از طرف پروردگار بر حضرت ﷺ نازل شده است به مردم برساند «بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» که اگر از این کار خودداری کند (هرگز خودداری نمی‌کرد) رسالت خدا را تبلیغ نکرده است «وَأَنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ».

سپس به پیامبر ﷺ که گویا از واقعه‌ی خاصی اضطراب و نگرانی داشته دلداری و تأمین می‌دهد و به او می‌گوید: «از مردم در ادای این رسالت وحشتی نداشته باش، زیرا خداوند تو را از خطرات آن‌ها ننگه خواهد داشت.» (وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) و در پایان آیه به‌عنوان یک تهدید و مجازات، به آن‌هایی که این رسالت مخصوص را انکار کنند و در برابر آن از روی لجاجت کفر بورزند می‌گوید: «خداوند کافران لجوج را هدایت نمی‌کند.» (إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ).

حال این سؤال مهم مطرح می‌شود که بعد از ۲۳ سال تبلیغ و زحمت طاقت‌فرسای پیامبر^۶، چه مسئله‌ی مهمی بر زمین مانده است که اگر پیامبر اکرم ص آن را تبلیغ و بیان نکند به وظیفه خود عمل نکرده است؟ و این چه مأموریت مهمی است که همسنگ و هم‌طراز نبوت است؟ و چه ویژگی‌ای دارد که خداوند متعال به حفظ پیامبر ص از دسیسه‌ها و تکذیب دیگران، تضمین می‌دهد؟.

نوشتار حاضر در صدد است غدیر شناسی مفسران معاصر اهل سنت را با رویکرد آنان به تفسیر آیه تبلیغ و پاسخگویی به سوالات فوق، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. از آنجا که عنوان مفسران معاصر، قلمرو گسترده‌ای را شامل می‌شود و مجال طرح و بررسی همه آنان نیست، نگارندگان مقاله، چند نفر از مفسران را به عنوان محور

اصلی در نظر گرفته و به بررسی و بازخوانی آراء آنان پرداخته‌اند که عبارتند از: سید قطب، رشید رضا، ابن عاشور، وهبه زحیلی، جمال الدین قاسمی، محمد محمود حجازی، محمد دروزه، سعید حوی، محمد ابو زهره، عبدالقادر آل غازی، محمد متولی شعراوی، طنطاوی و احمد مصطفی مراغی.

لازم به یادآوری است که غرض اصلی نویسندگان پاسخ‌گویی به شبهات نبوده اما در برخی موارد به تناسب به جواب بعضی از شبهات اشاره می‌شود.

مفهوم شناسی

قبل از ورود به مباحث اصلی از باب آشنایی بهتر خواننده با مفاهیم آیه شریفه، لازم است برخی از واژگان را از منظر لغت مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

۱.۱: بلغ

«بلغ» فعل متعدی از ماده «ب. ل. غ» است. بلاغ و بلوغ، وصول و رسیدن به چیزی است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴، ۴۲۱؛ ابن فارس ۱۴۰۴: ۱، ۳۰۱).

راغب اصفهانی بر این باور است گاهی این کلمه به معنای رسیدن به آخرین نقطه مقصد و انتهای کار به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶: ۱۴۴)؛ به همین دلیل گفته شده: تفاوت آن با «وصول» در همین نکته است که «بلغ» به معنای رسیدن به بالاترین نکته پایانی می‌باشد اما در ماده «وصول» این چنین مفهومی وجود ندارد (عسکری، بی‌تا: ۵۶ مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱، ۳۳۳).

۲.۱: عصمت

عصمت در لغت به معنای مصونیت و نگهداری و منع به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲، ۴۰۳؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۶، ۱۱۶) که عده‌ای از لغویان مفهوم و معنای

عصمت را دارای دو قید حفظ و دفع دانسته و این نکته را فارق بین واژه عصمت و دیگر واژگان هم معنا، می‌داند. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۸، ۱۵۴).

۳،۱: کفر

برخی از لغویان کفر (به ضم کاف) را به معنای ستر و پوشش دانسته (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶: ۴۶۱) و عده‌ای دیگر از لغویان نیز کفر را (به ضم کاف) گاهی در مقابل ایمان و گاهی در مقابل شکر نعمت‌های الهی می‌دانند (جوهری فارابی، ۱۴۰۷: ۲، ۸۰۷). علامه مصطفوی با اشاره به اقوال دیگر لغویان، کفر را به معنای رد و عدم اعتناء و توجه به چیزی دانسته دیگر کاربردهای این واژه را از باب مصادیق این مفهوم می‌داند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۰، ۷۹).

زمان نزول آیه

مفسران شیعه و اهل سنت اتفاق نظر دارند که سوره مائده از سوره‌های مدنی است و در اواخر عمر شریف رسول گرامی اسلام^ص نازل شده است و در این باب هیچ آیه‌ای را استثناء نکرده‌اند الا آیه اکمال را که آن هم با توجه به معیار زمانی در مدنی و مکی بودن سوره‌ها، مدنی حساب می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳، ۲۳۱؛ مراغی، بی تا: ۶، ۴۱). عده‌ای از دانشمندان اهل سنت بر مدنی بودن این سوره ادعای اجماع نموده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۶، ۳۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۶: ۱، ۱۷۸) و همچنین در روایات منقول از اهل سنت سوره مائده سوره‌ای است که نسخی در آن صورت نگرفته و حلال آن حلال و حرام آن نیز حرام شمرده شده است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲، ۵۲).

مفسران فریقین آیه ابلاغ را از مدنی بودن استثنا نکرده (آل غازی، ۱۳۸۲: ۶، ۳۴۹) و آیه ابلاغ را نیز جزو آیات مدنی حساب کرده‌اند و قرطبی نیز با نقل روایتی آن را دال

بر مدنی بودن آیه گرفته است البته در منابع اهل سنت روایاتی یافت می‌شوند که مشعر به مکی بودن این آیه شریفه می‌باشند (ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴: ۲، ۲۹۸) و از معاصران وهبه زحیلی نیز با استناد به همین روایات آیه شریفه را مکی می‌داند (زحیلی، ۱۴۱۱: ۶، ۲۶۳) اما مفسرانی مانند ابن عاشور (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۵، ۱۵۷) این روایات را به دلیل مدنی بودن آیه رد می‌کنند.

رویکرد مفسران معاصر اهل سنت

با کاوش در تفاسیر معاصر اهل سنت و تحلیل آراء مفسران، می‌توان رویکرد آنان را نسبت به تبیین و تفسیر آیه تبلیغ، در محورهای ذیل دسته‌بندی نموده و از آن رهگذر به غدیرشناسی مفسران معاصر دست یازید.

۱) سکوت نسبت به دیدگاه شیعیان در باب شأن نزول آیه

باوجود روایات متعدد و فراوان دال بر دیدگاه شیعیان و نقل آن در کتب مختلف روایی و تفسیری اهل سنت (ر.ک: ابن حنبل، ۱۴۱۶: ۳۰، ۴۳۰؛ ابو نعیم اصفهانی، ۱۴۰۶: ۸۶؛ ابن مردویه، ۱۴۲۴: ۱۲۱؛ واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۲۰۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲، ۲۹۸)، اما برخی از مفسران معاصر اهل سنت ضمن اشاره به دیگر اقوال ذیل آیه شریفه نسبت به نقل، نقد یا قبول دیدگاه شیعیان سکوت پیشه کرده‌اند.

مفسرانی مانند مراغی (مراغی، بی تا: ۶، ۱۵۹)، سید قطب (سید قطب، ۱۴۲۵: ۲، ۹۳۸)، جمال‌الدین قاسمی (قاسمی، ۱۴۱۸: ۴، ۱۹۲) ابو زهره (ابو زهره، بی تا: ۵، ۲۲۸۶)، شعراوی (شعراوی، ۱۹۹۱: ۶، ۳۲۸۹)، وهبه زحیلی (زحیلی، ۱۴۲۲: ۱، ۴۸۰)، ابن عاشور (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۵، ۱۵۱) و طنطاوی (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۴، ۲۲۳) اشاره‌ای به دیدگاه شیعیان در باب نزول آیه شریفه تبلیغ در شأن امام علی^ع و اعلان

خلافت حضرت ننموده‌اند که این مطلب با توجه به وجود حجم زیاد روایات مؤید و پرداختن اکثر قدما مفسر اهل سنت به این مطلب در کتب تفسیری خود، جای تعجب داشته و نشان از بی‌اهمیت جلوه دادن این نظریه دارد.

برخی از مفسران نیز صرفاً به روایات وارده در باب نزول آیه شریفه در شأن و اعلان ولایت امام علی^ع نقل کرده و هیچ رد یا اثباتی نسبت به آن انجام نداده‌اند (آل غازی، ۱۳۸۲: ۶، ۳۴۹).

عدم توجه و نپرداختن نسبت به دیدگاه یکی از مذاهب مهم اسلامی، حکایت از بی‌اهمیت جلوه دادن آن دارد.

حال آنکه جا داشت این عده از مفسران در باب اثبات یا رد این نظریه به بحث و بررسی پرداخته و حق مطلب را آنگونه که شایسته و بایسته بود ادا می‌کردند.

۲) معتبر ندانستن احادیث وارده در شأن امام علی

از دیگر رویکردهای مفسران معاصر اهل سنت، معتبر ندانستن و ضعیف جلوه دادن احادیث دال بر نزول آیه شریفه در شأن و اعلان ولایت امام علی^ص می‌باشد. علاوه بر آنکه حدیث غدیر را نیز با اسلوب خاص خود توجیه و یا رد می‌کنند که البته توجیهات و رد آنان با ملاک و معیارهای معتبر قابل پذیرش نمی‌باشد.

رشید رضا در تفسیر خود به نقل از تفسیر ثعلبی می‌نویسد: «ان هذا القول من النبی (ص) فی موالاته علی شاع و طار فی البلاد فبلغ الحارث بن النعمان الفهری فأتی النبی (ص) علی ناقته و کان بالابطح فنزل و عقل ناقته و قال للنبی (ص) و هو فی ملاء من اصحابه: یا محمد امرتنا عن الله ان نشهد ان لا اله الا الله و انک رسول الله؛ فقبلنا منک - ثم ذکر سائر ارکان الاسلام و قال - ثم لم ترض بهذا حتی مددت بضبعی ابن عمک و فضلتہ علینا، و قلت «من کنت

مولاه فعلى مولاه» فهذا منك ام من الله؟ فقال (ص) «و الله الذى لا اله الا هو، هو امر الله» فولى الحارث يريد راحلته و هو يقول (اللهم ان كان هذا هو الحق من عندك فأمطر علينا حجارة من السماء او ائتنا بعذاب اليم) فما وصل اليها حتى رماه الله بحجر فسقط على هامته و خرج من دبره، و انزل الله تعالى (سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ واقِعٍ لِلْكَافِرِينَ مَعارِجَ (١-٢)) الخ» (رشيد رضا، ١٤١٤: ٦، ٤٦٤).

و ی سپس با توجه به مکی بودن سوره معارج حدیث فوق را جعلی و موضوع دانسته و با اشاره به آیه «اللَّهُمَّ إِن كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ» (انفال / ٣٢) که در متن روایت ذکر شده است، با یادآوری این نکته که سوره انفال چندین سال قبل از نزول سوره مائده و بعد از جنگ بدر نازل شده است می نویسد: «و ظاهر الرواية ان الحارث ابن النعمان هذا كان مسلما فارتد و لم يعرف فى الصحابة، و الا بطح بمكة و النبى (ص) و لم يرجع من غدیر خم الى مكة؛ بل نزل فيه منصرفه من حجة الوداع الى المدينة» (همان).

محمد دروزه نیز با اشاره به حدیث غدیر ذیل آیه شریفه می گوید: «قد يكون فى كتب الحديث المعتمدة أحاديث فيها شيء خاص بالنسبة لعلی رضى الله عنه. من ذلك مثلا حديث رواه الترمذی جاء فيه «من كنت مولاه فعلىّ مولاه» و ليس بين هذا الحديث و الآية أية صلة.» (دروزه، ١٤٢١: ٩، ١٨٦)

اما باید گفت که چگونه این احادیث با آیه شریفه ارتباط ندارد و حال آنکه بر اساس روایات منقول در کتب روایی اهل سنت، پیامبر اکرم ص در روز غدیر از مردم حاضر اعتراف می گیرد که حضرت ص به وظیفه ابلاغ خود عمل کرده است.

قاسمی در این باب می نویسد: «ثبت فى (صحيح مسلم) عن جابر بن عبد الله: أن رسول الله صلى الله عليه و سلم قال فى خطبته يومئذ: يا أيها الناس! إنكم مسؤولون عنى فما أنتم

قائلون؟ قالوا: نشهد أنك بلغت و أدیت و نصحت. فجعل يرفع رأسه و يرفع يده إلى السماء و ينكبها إليهم و يقولون: اللهم! هل بلغت؟. و روى الإمام أحمد عن ابن عباس: قال رسول الله صلى الله عليه و سلم في حجة الوداع: يا أيها الناس! أي يوم هذا؟ قالوا: يوم حرام. قال: أي بلد هذا؟ قالوا: بلد حرام، قال فأى شهر هذا؟ قالوا: شهر حرام. قال: فإن أموالكم و دماءكم و أعراضكم عليكم حرام، كحرمة يومكم هذا في بلدكم هذا في شهركم هذا. ثم أعادها مرارا. ثم رفع إصبعه إلى السماء فقال: اللهم! هل بلغت؟ مرارا (قال ابن عباس: و الله! إنها لوصية إلى ربه عز و جل) ... و قد روى البخاري نحوه.» (قاسمی، ۱۴۱۸: ۴، ۱۹۴)

آیا این قول پیامبر اکرم ص که فرمود: «اللهم! هل بلغت؟» نشان از ارتباط این جریان با آیه شریفه ندارد؟!

علاوه بر اینکه رد و تضعیف یک روایت با یک سند خاص موجب رد روایات فراوان دیگر که توسط مفسران و دانشمندان بزرگ اهل سنت در کتب روایی و تفسیری نقل شده، نمی شود علاوه بر اینکه شیعیان در کتب خود روایات صحیح سندی را نقل می کنند که صحت آن مورد قبول شیعیان می باشد و اگر هم به روایات اهل سنت استناد می شود از باب الزام خصم است.

بدون شک با وجود نقل حدیث غدیر و روایات شأن نزول آیه شریفه توسط

تعداد کثیری از علماء و دانشمندان اهل سنت جایی جهت انکار آن نمی گذارد به طوری که محمد بن جریر بن یزید طبری (۲۲۴ - ۳۱۰ ق) محدث، مفسر، فقیه و مورخ نامور سنی مذهب قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری کتاب مستقلی را به طرق گوناگون حدیث غدیر اختصاص می دهد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳، ۳۶۱). انگیزه اصلی وی در تألیف اثری درباره بیان طرق حدیث غدیر، اظهار نظری بود که ابوبکر بن ابی داوود سجستانی (م ۳۱۶ ق) درباره عدم صحت حدیث غدیر کرده بود. وی گفته بود که امام علی ع در

حجۀ الوداع حاضر نبوده است تا غدیری در کار بوده باشد. این سخن، خشم طبری را برانگیخت و او را به نگارش این رساله در اثبات درستی حدیث غدیر واداشت (تمیمی مغربی، ۱۴۳۱: ۱، ۱۳۰-۱۳۲؛ حموی، ۱۹۹۳: ۶، ۲۴۶۴).

۳) نزول آیه پیش از حجه الوداع

بعضی از شأن نزول‌های ذکرشده در کتب تفسیری، مشعر به نزول آیه قبل از حجۀ الوداع می‌باشد.

از جمله شأن نزولی که عده ای از اهل سنت برای آیه تبلیغ ذکر می‌کنند حراست و محافظت از پیامبر اکرم ص در مقابل دیگران می‌باشد.

برخی از روایات منقول در کتب تفسیری به حفاظت از پیامبر اکرم ص در مکه و اوایل بعثت پیامبر اکرم ص اشاره دارد از جمله روایت ... «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَحْرُسُ فِي مَكَّةَ قَبْلَ نَزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ، وَكَانَ الْعَبَّاسُ مِمَّنْ يَحْرُسُهُ، فَلَمَّا نَزَلَتْ تَرَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْحَرَسَ». (زحیلی، ۱۴۱۱: ۶، ۲۶۳)

برخی دیگر از روایات به جریان جنگ پیامبر ص با بنی انمار می‌پردازد از جمله در روایتی جابر بن عبدالله انصاری که می‌گوید: «لَمَّا غَزَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَنِي أُنْمَارَ، نَزَلَ ذَاتَ الرِّقَاعِ بِأَعْلَى نَخْلٍ. فَبَيْنَمَا هُوَ جَالِسٌ عَلَى رَأْسِ بئرٍ قَدْ دَلَّى رَجُلِيهِ، فَقَالَ الْحَارِثُ بْنُ النَّجَّارِ: لَا أَقْتُلَنَّ مُحَمَّدًا فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ: كَيْفَ تَقْتُلُهُ؟ قَالَ: أَقُولُ لَهُ أَعْطَنِي سَيْفَكَ، فَإِذَا أَعْطَانِيهِ قَتَلْتُهُ بِهِ. قَالَ: فَأَتَاهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ. أَعْطَنِي سَيْفَكَ أَشِيمُهُ - أَيْ أَرَاهُ - فَأَعْطَاهُ إِيَّاهُ - فَرَعَدَتْ يَدُهُ حَتَّى سَقَطَ السَّيْفُ مِنْ يَدِهِ: فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَالُ اللَّهِ بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَا تَرِيدُ. فَأَنْزَلَ اللَّهُ - تَعَالَى - يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ .. الْآيَةُ» (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲، ۷۹؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۴، ۲۲۶) و برخی هم به حفاظت و حراست از

حضرت^ص در مدینه اشاره دارد از جمله روایتی که از عایشه نقل شده می‌گوید: کان رسول الله يحرس ليلا حتى نزلت و الله يعصمك من الناس فأخرج رسول الله صلى الله عليه و سلم رأسه من القبة فقال لهم: «أيها الناس انصرفوا لقد عصمني الله» (ترمذی، ۱۴۲۱: ۵، ۹۶).

رشید رضا در ذیل آیه شریفه با استناد به روایات موجود در تفاسیر روایی و منقول از ترمذی، أبو الشیخ، الحاکم، أبو نعیم، بیهقی و طبرانی دال بر حفاظت و حراست از پیامبر اکرم^ص در مکه تا قبل از نزول آیه تبلیغ، می‌نویسد: «بعد از نزول آیه شریفه، حراست و حفاظت از حضرت ترک شد و ابوطالب از اولین کسانی بود که به حفاظت از پیامبر اهتمام ورزید و همچنین عباس از حضرت حفاظت کرد» (رشید رضا، ۱۴۱۴: ۶، ۴۷۳). در نتیجه نویسنده المنار امر به تبلیغ در اوایل اسلام را متبادر از آیه شریفه می‌داند. (همان، ۴۶۷).

با توجه به نقل و قبول حدیث غدیر این قول جایگاهی ندارد.

جلال‌الدین سیوطی از محمد بن کعب از طریق ابی عبید روایت می‌کند که سوره مائده در (حجۀ الوداع) فیما بین مکه و مدینه نازل شده است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱، ۸۷).

۴) اتهام و افتراء علیه شیعیان

یکی دیگر از رویکردهای مفسران معاصر اهل سنت نسبت به تفسیر و توضیح آیه

شریفه تبلیغ، اتهام زنی نسبت به شیعیان است.

اتهام به تحریف قرآن کریم و همچنین قائل شدن به کتمان وحی توسط پیامبر

اکرم^ص از جمله اتهاماتی است که برخی از مفسران معاصر متوجه شیعیان کرده و آیه

شریفه را دلیل بر رد این نظریه دانسته‌اند.

وهبه زحیلی در تفسیر خود می نویسد: «دلت آیه التبلیغ علی رد قول من قال: إن النبی صلی الله علیه و سلم کتم شیئا من أمر الدین تقیّة، و علی بطلان هذا القول من الرافضة.» (زحیلی، ۱۴۱۱: ۶، ۲۶۴).

همچنین ابن عاشور می گوید: «فهی أقطع آیه لإبطال قول الرافضة بأنّ القرآن أكثر ممّا هو فی المصحف الّذی جمعه أبو بکر و نسخه عثمان، و أنّ رسول الله اختصّ بكثير من القرآن علیاً بن أبی طالب و أنّه أورثه أبناءه و أنّه یبلغ وقر بعیر، و أنّه الیوم مختزن عند الإمام المعصوم الّذی یلقّبه بعض الشیعة بالمهدی المنتظر و بالوصیّ.» و كانت هذه الأوهام ألمّت بأنفس بعض المتشیّعين إلی علیّ - رضی الله عنه - فی مدّة حیاتہ، فدعا ذلك بعض النّاس إلی سؤاله عن ذلك.» (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۵، ۱۵۴).

نکته قابل توجه این است که این دو مفسر بدون اشاره به روایاتی که ذیل آیه شریفه در کتب مختلف و مشهور اهل سنت در باب نزول آن در شأن امام علیّ نقل شده است، اقدام به رد شیعه و وارد ساختن اتهام به شیعیان نموده اند.

قاسمی در تفسیر خود با نقل روایتی از کتاب صحیح بخاری (ر.ک: بخاری، ۱۴۱۹: ۵، ۱۷۳) به این مطلب اشاره کرده می نویسد: «روی البخاریّ و غیره عن أبی جحيفة قال: قلت لعلیّ بن أبی طالب رضی الله عنه: هل عندکم شیء من الوحي مما لیس فی القرآن؟ فقال: لا، و الذی فلق الحبة و برأ النسمة! إلا فهما یعطیه الله رجلا فی القرآن، و ما فی هذه الصحيفة. قلت: و ما فی هذه الصحيفة؟ قال: العقل، و فکاک الأسیر، و أن لا یقتل مسلم بکافر.» (قاسمی، ۱۴۱۸: ۴، ۱۹۳).

این تهمت در حقیقت همان اتهام اعتقاد به تحریف قرآن کریم است که از قدیم الایام بر علیه شیعه مطرح شده است که با توجه به کتب مختلفی که در باب رد

این اتهام از سوی علماء و دانشمندان شیعه نگاشته شده بعید به نظر می‌رسد مفسران معاصر از دیدگاه صواب شیعیان در باب عدم تحریف قرآن کریم اطلاع نداشته باشند. لذا می‌توان گفت این اتهام زنی بدون اشاره‌ای به روایات شأن نزول مورد قبول شیعیان، در حقیقت راه فراری است از بیان حقیقت و روشی است جهت انحراف اذهان مخاطبین از تفسیر درست و صحیح.

علاوه بر اینکه در کتب روایی و تفسیری اهل سنت در ذیل آیه تبلیغ روایاتی یافت می‌شود که ظاهر آن مشعر به تحریف قرآن می‌باشد.

ابن مردویه به نقل از ابن مسعود می‌نویسد: «و أخرج ابن مردويه عن ابن مسعود قال كنا نقرأ على عهد رسول الله صلى الله عليه وسلم يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ عَلِيًّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ.» (ابن مردویه، ۱۴۲۴: ۲۳۹).

این روایت را دانشمندانی مانند سیوطی (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲، ۲۹۸) و آلوسی (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳، ۳۵۹) نیز در کتب خود نقل کرده‌اند که ظاهر آن نشان از تحریف دارد چرا که در قرآن فعلی «ان عليا مولى المؤمنين» وجود ندارد البته می‌توان گفت که منظور از قرائت تفسیر آیه شریفه است که در این صورت نیز مؤید نظر شیعیان می‌شود و نباید اتهام تحریف را به شیعه وارد ساخت.

شیعه در هیچ یک از کتاب‌های خود قائل به کتمان وحی توسط پیامبر اکرم ص نشده است تا این آیه شریفه این نظر را رد کند و این اتهام جز جهت حمله بر شیعه وارد نمی‌شود.

۵) ارتباط نزول آیه و ابلاغ ولایت (سیاق)

گاهی گفته می‌شود آیات قبل و بعد از آیه تبلیغ درباره اهل کتاب و خلافت‌های آنان است و ربطی به ابلاغ ولایت امام علی^ع نداشته و سیاق آیات این نکته را تأیید می‌کند.

رشید رضا در تفسیر خود می‌نویسد: «و الوصیة بالخلافة لا مناسبة لها فی سیاق محاجة اهل الكتاب، فهي مما لا ترضاه بلاغة القرآن.» (رشید رضا، ۱۴۱۴: ۶، ۴۶۶).

محمد دروزه نیز در کتاب خود بعد از اشاره به قول شیعیان و نقل روایاتی از کتب شیعه می‌گوید: «و نقول تعليقا على ذلك، إن سياق الآية السابق واللاحق والتي هي منسجمة معها أشد الانسجام يدلّ دلالة نعتقد أنها حاسمة على أنها نزلت أمرة النبي بتبليغ ما أنزل الله إليه إلى أهل الكتاب دون خشية و حذر و أنها نزلت في وقت كان اليهود في المدينة على شيء من الوجود القوي بحيث يمكن أن نقول إن روايات الشيعة مقحمة على الآية و سياقها إقحاما عجيبا...» (دروزه، ۱۴۲۱: ۹، ۲۸۵).

طنطاوی (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۴، ۲۲۶) و سید قطب (سید قطب، ۱۴۲۵: ۲، ۹۳۹) نیز با توجه به سیاق، آیه را به یهودیان و کفار مربوط می‌دانند.

اما باید توجه داشت که آیه شریفه تبلیغ، دارای ویژگی‌های است که جز بر مسئله اعلان و ابلاغ ولایت و جانشینی امام علی^ع تطابق نداشته و با موارد دیگر سازگاری ندارد.

جمله‌بندی آیه و لحن خاص و تأکیدهای پی‌درپی آن و همچنین شروع آن با خطاب «يا أَيُّهَا الرَّسُولُ» که تنها در دو مورد از قرآن آمده و تهدید پیامبر^ص به عدم تبلیغ رسالت در صورت کوتاهی کردن که منحصرأ در این آیه از قرآن آمده، نشان از آن دارد

که سخن از حادثه مهمی در میان بوده است که عدم تبلیغ آن مساوی با عدم تبلیغ رسالت در مدت ۲۳ سال شمرده شده است.

نکته دیگر این است که این موضوع مهم مخالفان سرسختی داشته که پیامبر ص، از مخالفت آن‌ها که ممکن بوده است مشکلاتی برای اسلام و مسلمین داشته باشند نگران بوده است و به همین جهت، خداوند به او تضمین و تأمین می‌دهد.

همچنین باید متذکر شد که سوره مائده در آخر عمر پیامبر اکرم ص نازل شده است که دیگر یهودیان و کفار قدرت لازم را نداشته و اسلام در شبه جزیره عربستان حاکم شده بود و دیگر ترس از کفار و یهودیان معنا نداشت تا خداوند متعال پیامبر ص را از شر آنان محفوظ نگهدارد.

حال این پرسش مطرح می‌شود که چه مطلب مهمی و چه امر حیاتی در کار بوده که خداوند رسولش را در اواخر عمر حضرت^۶ با آن همه تأکیدات مأمور ابلاغ آن می‌کند؟

آیا مسائل مربوط به توحید و شرک و بت‌شکنی بوده که از سال‌ها قبل برای پیامبر و مسلمانان حل شده بود؟

آیا مربوط به احکام و قوانین اسلامی بوده با اینکه مهم‌ترین آن‌ها تا آن زمان بیان شده بود؟

و آیا مربوط به مبارزه با اهل کتاب و یهود و نصاری بوده با اینکه می‌دانیم مسئله اهل کتاب بعد از ماجرای «بنی النضیر» و «بنی قریظه» و «بنی قینقاع» و خیبر و فدک و نجران مشکلی برای مسلمانان محسوب نمی‌شد؟

و آیا مربوط به منافقان بوده؟، در حالی که پس از فتح مکه و سیطره و نفوذ اسلام در سراسر جزیره عربستان، منافقان از صحنه اجتماع طرد شدند و نیروهای آن‌ها در هم شکسته شد و هر چه داشتند در باطن بود.

این نیز جای تردید نیست که وحشت و نگرانی پیامبر اکرم ص برای شخص خود و جان خود نبوده، چرا که حضرت ص هیچ ابایی از اهداء جان خود در راه تبلیغ و رساندن وحی و اسلام نداشته است، بلکه نگرانی پیامبر ص برای کارشکنی‌ها و مخالفت‌های احتمالی منافقان بوده است که موجب از بین رفتن دعوت و تبلیغ شود (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶، ۴۴).

این‌ها همه نشان می‌دهد که این آیه شریفه در معرض برخوردهای مذهبی و تعصب قرار گرفته و به همین دلیل احتمالاتی در آن مطرح می‌شود که در آیات مشابه آن به هیچ‌وجه از آن سخنی نیست، هر یک می‌کوشد با بهانه و یا دستاویزات بی‌اساسی آن را از مسیرش منحرف سازد.

۶) عمومیت «بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ»

مفسران معاصر اهل سنت جهت اثبات این نکته که شأن نزول آیه شریفه نمی‌تواند ولایت و امامت امام علی ع باشد، به عمومیت امر خداوند متعال در «بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» اشاره داشته‌اند.

مفسرانی همچون، ابن عاشور (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۵، ۱۵۳)، محمد دروزه (دروزه، ۱۴۲۱: ۹، ۱۸۷)، وهبه زحیلی (زحیلی، ۱۴۱۱: ۶، ۲۶۵) و طنطاوی (طنطاوی، ۱۹۹۷: ۴، ۲۲۶) به عمومیت آیه شریفه تصریح نموده گفته‌اند منظور تمام آنچه بر پیامبر ص نازل شده، می‌باشد.

در این باب لازم است متذکر شویم که مفسران و دانشمندان علوم قرآنی بر این مطلب تصریح کرده‌اند که سبب و شأن نزول یک آیه، نقش تعیین‌کننده‌ای در فهم و تفسیر آن دارد.

زرکشی درباره لزوم شناخت اسباب نزول و فواید آن می‌گوید: «ومنها: الوقوف على المعنى قال الشيخ أبو الفتح القشيري بيان سبب النزول طريق قوى فى فهم معانى الكتاب العزيز وهو أمر تحصل للصحابة بقرائن تحتف بالقضايا.» (زرکشی، ۱۴۱۰: ۲۸).

ابن تیمیه نیز که از سرسخت‌ترین مخالفان شیعه است در باب نقش سبب نزول در تفسیر آیه می‌نویسد: «ومعرفة سبب النزول يعين على فهم الآية فإن العلم بالسبب يورث العلم بالمسبب» (ابن تیمیه، ۱۴۲۰: ۱۳، ۳۳۹).

جلال‌الدین سیوطی نیز در کتاب لباب النقول درباره فواید دانستن اسباب نزول آیات می‌گوید: «لمعرفة أسباب النزول فوائد وأخطأ من قال لا فائدة له لجريانه مجرى التاريخ ومن فوائده الوقوف على المعنى أو إزالة الاشكال قال الواحدى لا يمكن معرفة تفسير الآية دون الوقوف على قصتها وبيان سبب نزولها وقال ابن دقيق العيد بيان سبب النزول طريق قوى فى فهم معانى القرآن...» (سیوطی، بی تا: ۱، ۱۳).

با توجه به این مطلب می‌توان گفت عمومیت «بَلَّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» مانع از دلالت آن بر اعلان ولایت و امامت امام علی^ع نشده بلکه روایات منقول در کتب فریقین مؤید آن می‌باشد.

نتیجه:

بر پایه کنکاش‌های صورت گرفته در منابع تفسیری معاصر اهل سنت می‌توان گفت مفسران معاصری همچون سید قطب، وهبه زحیلی، طنطاوی، مراغی و... نسبت به نزول آیه تبلیغ در شأن اعلان ولایت امام علی^ع سکوت کرده به صورت صریح آن را رد نکرده‌اند؛ اما عده‌ای دیگر از مفسران معاصر مانند رشید رضا، محمد عزت دروزه، قاسمی و سعید حوی با دلیل قرار دادن سیاق آیه و رد یا توجیه روایت غدیر، اقدام به تشکیک و رد نزول آیه شریفه تبلیغ، در شأن امام علی^ع نموده‌اند و نیز جهت انحراف اذهان مخاطبان، نسبت‌های ناصوابی را از قبیل تحریف قرآن کریم به پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام داده و آیه شریفه را دلیلی بر بطلان نظرات آنان ذکر می‌کنند اما حقیقت مطلب این است که ویژگی‌های خاص این آیه کریمه که آن را از آیات ماقبل و بعد خود متمایز می‌سازد و نیز روایات فراوانی که در منابع فریقین ذیل آیه شریفه نقل شده است، دیگر مجالی جهت رد نزول آیه یادشده در شأن و فضیلت امام علی^ع نمی‌ماند.

بناءً براین می‌توان اذعان نمود که رویکردهای گوناگون اتخاذ شده از سوی مفسران معاصر اهل سنت قابل خدشه بوده و از لحاظ علمی غیر قابل قبول است.

منابع:

قرآن

ابن تیمیہ، احمد بن عبد الحلیم، ۱۴۲۰ق، منهاج السنہ، بیروت، دار الکتب العلمیہ.
ابن حنبل، احمد بن محمد، ۱۴۱۶ق، مسند الإمام أحمد بن حنبل، بیروت،
مؤسسه الرسالہ.

ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ق، تفسیر التحرير و التنوير المعروف بتفسير ابن
عاشور، لبنان- بیروت، مؤسسه التاريخ العربی، چاپ اول.
ابن فارس، ابوالحسن احمد، ۱۴۰۴ق، معجم مقائیس اللغة، قم، مکتب الاعلام
الاسلامی.

ابن کثیر، اسماعیل دمشقی، ۱۴۱۹ق، تفسیر القرآن العظيم، دار الکتب العلمیہ،
بیروت، چاپ اول.

ابن مردويه، احمد بن موسى، ۱۴۲۴ق، مناقب علی بن أبی طالب علیه السلام و ما
نزل من القرآن فی علی، قم، دارالحديث.

ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ
سوم.

ابو زهره، محمد، بی تا، زهره التفاسیر، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.

ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، ۱۴۰۶ق، النور المشتعل من کتاب ما نزل من
القرآن فی علی علیه السلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
آل غازی، عبدالقادر، ۱۳۸۲ق، بیان المعانی، سوریه- دمشق، مطبعة الترقی، چاپ
اول.

- آلوسی، محمود بن عبدالله، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۱۹ق، صحیح البخاری، اعتنی به ابو صهیب الکرمی، الرياض، بیت الافکار الدولیة للنشر.
- ترمذی، محمد بن عیسی، ۱۴۲۱ق، سنن الترمذی، بیروت، دار الفکر.
- تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، ۱۴۳۱ق، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم.
- جواهری، اسماعیل ابن حماد، ۱۴۰۷ق، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ چهارم.
- حموی، یاقوت، ۱۹۹۳م، معجم الادباء، بیروت، دار الغرب الاسلامی، چاپ اول.
- دروزه، محمد عزه، ۱۴۲۱ق، التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، لبنان- بیروت، دار الغرب الإسلامی، چاپ دوم.
- راغب، اصفهانی، ۱۳۷۶ش، مفردات الفاظ القرآن، تهران، انتشارات مرتضوی، چاپ دوم.
- رضا، محمد رشید، ۱۴۱۴ق، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، لبنان- بیروت، دار المعرفة، چاپ اول.
- زحیلی، وهبه، ۱۴۱۱ق، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، دمشق، دارالفکر، چاپ دوم.
- زحیلی، وهبه، ۱۴۲۲ق، التفسیر الوسیط، دمشق، دارالفکر، چاپ اول.
- زرکشی، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۰ق، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفة، چاپ اول.

سید قطب، ۱۴۲۵ق، فی ظلال القرآن، لبنان- بیروت، دار الشروق، چاپ سی و پنجم.

سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۰۴ق، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، ایران- قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، ۱۴۲۱ق، الإتقان فی علوم القرآن، بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ دوم.
سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن، بی تا، لباب النقول فی أسباب النزول، بیروت، دار إحياء العلوم.

شعراوی، محمد متولی، ۱۹۹۱م، تفسیر الشعراوی، بیروت، اخبار الیوم، اداره الكتب و المكتبات، چاپ اول.

طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.

طبرسی ابوعلی فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

طریحی، فخر الدین بن محمد، ۱۳۷۵ش، مجمع البحرين، تهران، مرتضوی، چاپ سوم.

طنطاوری، محمد سید، ۱۹۹۷م، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، نهضة مصر، چاپ اول.

عسکری، حسن بن عبدالله، بی تا، الفروق فی اللغة، بیروت، دار الآفاق الجدیة.
فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، کتاب العین، قم، چاپ هجرت، چاپ دوم.

- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، ۱۴۱۶ق، بصائر ذوی التمیمز فی لطائف الکتاب
العزیز، قاهره، وزارة الاوقاف المجلس الاعلى للشئون الاسلامیة، چاپ سوم.
- قاسمی، جمال الدین، ۱۴۱۸ق، تفسیر القاسمی المسمى محاسن التأویل، لبنان-
بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴ش، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو،
چاپ اول.
- مراغی، احمد مصطفی، بی تا، تفسیر المراغی، لبنان- بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰ش، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه
ترجمه و نشر کتاب.
- واحدی، علی ابن احمد، ۱۴۱۱ق، اسباب نزول القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیة،
منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.